

منع مجازات مضاعف، آراء، مبانی و ادله موافقان و مخالفان با مطالعه تطبیقی در آراء مراجع عظام تقلید

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸.۰۳.۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸.۰۵.۰۲

عبدالعلی توحیدی *

مهدی قربانی قلیچلو **

چکیده

قاعده ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف (Ne(non) bis in idem)، امروزه به عنوان یکی از اصول و ارکان دادرسی منصفانه شناخته شده است. مفهوم بین‌المللی قاعده در بیانی خلاصه، جلوگیری از تعقیب، محاکمه و کثیر متهم در محاکم کشورهای مختلف به لحاظ ارتکاب یک رفتار مجرمانه واحد یا به نظر برخی دیگر به دلیل ارتکاب یک عنوان مجرمانه خاص است. قانونگذار ایران در دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در جریان اصلاحات قانون مجازات عمومی سابق و طی بند ه ماده ۳ قانون مذکور اصلاحی سال ۱۳۵۲، اثر منفی (سلبی) احکام صادره از محاکم خارجی را اعتبار بخشیده و منع مجازات مضاعف محکومان به حکم قطعی صادره از آن محاکم را پذیرفته و اعتبار امرمختومه ناشی از صدور احکام درخصوص جرم ارتكابی در خارج از قلمرو سرزمینی ایران را با شرایطی مورد پذیرش قرار داده بود. لکن پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگرشی با جهت گیری نفی پذیرش قاعده قوت گرفت و قانونگذار با تصویب قوانین مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰، اقدام به اصلاح بند ه ماده ۳ قانون صدرالاشاره و حذف شروط ذیل آن نمود.

در این مقاله، با مروری اجمالی در مفهوم و مبانی قاعده، به ذکر آراء و نظرات موافقان و مخالفان پرداخته و با بررسی استثنائات مطرح شده از آیات عظام تقلید، قاعده را در برخی از انواع جرائم و مجازات‌ها به لحاظ فقهی قابل توجیه و پذیرش معرفی نموده است.

واژگان کلیدی

محاکمه و مجازات مضاعف، منع محاکمه مجدد، اصل صلاحیت شخصی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد

** دانش‌آموخته رشته معارف اسلامی و حقوق جزا

ghorbaani.mahdi@gmail.com

همو (۱۳۸۷)، اثبات و دلیل اثبات، تهران: انتشارات گنج دانش.
متین دفتری، احمد (۱۳۸۱)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران: انتشارات مجد.
واحدی، قدرت اله (۱۳۷۹)، بایسته‌های آیین دادرسی مدنی، تهران: نشر میزان.

قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، با تصویب قانون الحاق به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، عملاً تبعیت خود را از قاعده ممنوعیت اعمال مجازات مضاعف نشان داده بود. لکن پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در جریان تصویب قوانین راجع به مجازات اسلامی در اوایل دهه ۶۰ و سپس قانون مجازات اسلامی در دهه ۷۰، موضوع مجازات مضاعف و ممنوعیت اعمال آن، مورد بی‌اعتنایی قانون‌گذار قرار گرفت یا به عبارتی مسکوت باقی ماند و تلقی عدول قانون‌گذار از موضع قبل از انقلاب خود را متبادر نمود. هرچند در نیمه اول دهه ۸۰ و در جریان انعقاد توافقنامه‌های همکاری قضایی و کیفری دو جانبه، علی‌الخصوص با کشورهای اسلامی، با تغییرهایی در مواضع قبلی خود، به ممنوعیت اعمال مجازات گرایش‌هایی یافته و اصل ممنوعیت را در مقابل چند کشور اسلامی - عربی، تحت شرایطی مورد پذیرش قرار داد.

با این مقدمه، در پی آن هستیم، تا با مروری اجمالی بر مبنا و مفهوم مجازات مضاعف به معنای بین‌المللی آن، آراء و نظرات مخالفان و موافقان آنرا ارائه و مورد نقد و بررسی قرار داده و بررسی موضوع را با روی‌کردی تطبیقی با فقه و آراء و نظرات فقهاء و مراجع عظام تقلید و نتیجه‌گیری برخی نقاط افتراق آن با مواضع اسناد بین‌المللی و موضع قانون‌گذار داخلی به پایان رساند.

۱. مفهوم قاعده ممنوعیت مجازات مضاعف

مجازات مضاعف در مفهوم بین‌المللی، به عنوان یک مسئله نظری و کاربردی، می‌تواند با دو روی‌کرد عمده مواجه باشد.

رویکرد اول، اعمال مجازات مضاعف

رویکرد دوم ممنوعیت اعمال آن است و طبیعتاً، اتخاذ هر یک از دو روی‌کرد

مذکور و گرایش به آن، تفاوت‌هایی را در سیاست‌ها و مواضع نظام کیفری هر کشور سبب می‌شود.

از آن‌جا که تبیین اجمالی معنا و مفهوم قاعده ممنوعیت مجازات مضاعف، پیش از مرور مبانی و پرداختن به ادله موافقان و مخالفان آن ضروری است، بنابراین

مقدمه

مجازات مجرمان و مرتکبان اعمال خلاف هنجارها و عادات مسلم و عرف هر جامعه، از ابتدا در اندیشه‌های آغازین جوامع بسیط بشری به صورت سرزمینی مطرح بوده و اعمال می‌گردیده است. به این معنی که مجرم در محلی که مرتکب جرم شده بود، محاکمه و مجازات می‌شد و تعقیب و مجازات، در قلمرو و توسط حاکمیت کشور محل ارتکاب جرم صورت می‌گرفت.

تلاقی اندیشه سرزمینی بودن محدوده اعمال قانون و مجازات با ایده وابستگی افراد به یک دولت و حاکمیت - که بعدها در مفهومی تحت عنوان تابعیت مطرح گردید- و اهمیت دولت‌ها به اعمال و رفتارهای اتباع خود در قلمرو سایر کشورها منجر به ایجاد مسئولیت کیفری و مؤاخذه و مجازات اتباع به دلیل ارتکاب برخی افعال مجرمانه در خارج از قلمرو سرزمینی و پذیرش آن در نظام کیفری اکثر دولت‌ها گردیده است و باعث شده تا به تدریج، زمینه و بستر ایجاد مفهومی تحت عنوان مجازات مضاعف در حقوق کیفری میان حاکمیت‌ها پدید آید و بعدها تحت عنوان مجازات مضاعف در مفهوم بین‌المللی مطرح گردد.

این مفهوم کلی که متهم باید یک بار به سزای عمل خود برسد، هرچند در بادی امر و به خصوص در حوزه حقوق داخلی هر کشور، یک حکم عقلی و منطقی به نظر می‌رسد و هم اکنون مناقشه و تردید در آن، بعید و دور از ذهن است، لکن همین مفهوم اولیه و بدیهی، در مواجهه با مسائل و موضوعات مختلفی در عرصه جامعه بین‌المللی و حقوق جزای بین‌الملل، دچار فراز و نشیب و دگرگونی‌هایی شده است، که تصور اولیه و پذیرش قطعی و بدون تردید آنرا تحت الشعاع قرار داده و موضوع را نیازمند بحث و بررسی و رفع پاره‌ای از تعارضات و چالش‌ها دربار مسائل مرتبط با آن، علی‌الخصوص اصل حاکمیت دولت‌ها، نظام‌های کیفری متفاوت کشورهای و مبنای مختلف آن‌ها در قانون‌گذاری و تفاوت در قوانین و مقررات، تأثیر محل ارتکاب و نوع جرم و مجازات و... می‌نماید.

قانون‌گذار ایران نیز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در همین راستا و به تأسی از سایر کشورها و رویه جامعه بین‌المللی، ضمن توجه به موضوع در اصلاحات